

## اختلاف قرائات و تحریف قرآن

(آیا ادعای عدم تحریف قرآن با اختلاف قرائات سازگاری دارد؟)

ماهنامه آموزشی، اطلاع رسانی معارف

شماره ۶۰، آبان ۱۳۸۷

دکتر علی نصیری (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)

### چکیده

اشاره: قرآن معجزه جاودان و جهانی پیامبر اسلام است که خود تأکید دارد هرگز گرد تحریف دامن پاک آن را نخواهد آلود. با مشاهده قرائت‌های مختلفی که از آیات آن وجود دارد، این پرسش رخ می‌نماید که آیا وجود قرائت‌های گوناگون به معنای ورود تحریف در قرآن نیست؟ مقاله پیش‌رو این پرسش و پاسخ‌های آن را پی می‌گیرد. معارف

یکی از پدیده‌هایی که در تاریخ قرآن رخ نمود و آثار آن به صورت بس ضعیفی در میان مسلمانان بر جای مانده، پدیده اختلاف قرائات است. از آنجا که این امر دستاویزی برای برخی از خاورشناسان برای تهاجم به قرآن و ادعای راهیافت تحریف در این کتاب آسمانی فراهم آورده، این مقاله به نقد این شبهه پرداخته است. برای این منظور مباحث مقاله در سه بخش و بدین شرح تنظیم شده است:

۱. در بخش نخست به صورت گذرا تاریخ و عوامل پیدایش اختلاف قرائات را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

۲. در بخش دوم ضمن تأکید بر نامبارک بودن پدیده اختلاف قرائات، گفتار برخی از خاورشناسان را منعکس ساخته‌ایم که پدیده اختلاف قرائات را دال بر راهیافت تحریف در قرآن دانسته‌اند.

۳. در بخش سوم مقاله شبهه دلالت اختلاف قرائات بر تحریف قرآن را مورد نقد قرار داده‌ایم.

### گفتار نخست: نگاهی گذرا به تاریخ و عوامل اختلاف قرائات

چنان که تاریخ گواهی داده است، کار اختلاف قرائات در همان سده‌های نخست چنان بالا گرفت که مسلمانان هر تیره و طائفه که بر قرائت خاصی پایبند بودند گاه برای دفاع از قرائت خود در برابر قرائت سایر تیره‌ها تا مرز جنگ و خونریزی پیش می‌رفتند. هنگامی که حذیفه بن یمان، صحابی بزرگ پیامبر، از جنگ ارمستان در قفقاز بر می‌گشت در مسیر راه خود به هر شهری که رسید دامنه اختلاف و کشمکش مردم بر سر قرائت قرآن و تاثیر این مسأله را در ایجاد شکاف میان صفوف مسلمانان را گسترده یافت. او با

ورود به مدینه عثمان را از این خطر آگاه ساخت. هشدار او باعث شد تا عثمان پس از مشورت با بزرگان صحابه، مصاحف را جمع کرده با تشکیل لجنه‌ایی به کار توحید مصاحف و یکدست کردن قرائات همت گمارد. ۱.

کار عثمان تا حدودی دامنه اختلاف را محدود کرد و مسلمانان را بر قرائت مصاحف پنجگانه واداشت. اما خالی بودن این مصاحف از علایم نوشتاری، سجاوندی و اعراب و نیز تفاوت رسم الخط بین آنها، مجدداً زمینه را برای ایجاد اختلاف فراهم کرد، به گونه‌ای که غالب شهرها برای خود قاری خاص و قرائت ویژه داشتند.

این اختلاف تا آغاز قرن چهارم با سرعت عجیبی پیش رفت تا آنکه ابن مجاهد که در زمینه قرائات از تبحر فوق‌العاده‌ای برخوردار بود، از میان قرائت‌های متعدد، هفت قرائت را بر اساس معیارهایی که خود اعلام کرد برگزید. این قرائت‌های هفتگانه به خاطر دو عامل اساسی مورد اقبال فراوان قرار گرفت و سایر قرائت‌ها به بوته فراموشی سپرده شد:

۱. افزون بر تبحر و مهارت قابل تحسین ابن مجاهد در بازشناسی قرائت‌ها، او در گزینش قرائت‌های هفتگانه دقت زیادی را به خرج داد. گرچه برخی معیارهای او را به نقد کشیدند و اعلام کردند قاریان دیگری برتر از این قراء هفتگانه وجود داشته است، و به همین سبب قراء دهگانه و چهاردهگانه پیشنهاد شد، اما با وجود این، بسیاری کار ابن مجاهد را ستوده و از او پیروی کردند.

۲. حصر قرائات از سوی ابن مجاهد در هفت قرائت به صورت اتفاقی با حدیث مشهور: "انزل القرآن علی سبعة احرف" - که در منابع حدیثی به پیامبر نسبت داده شده است - انطباق پیدا کرد. بدین جهت برخی به اشتباه گمان کردند که مقصود از سبعة احرف در این روایت همان قرائت‌های هفتگانه ابن مجاهد است. البته برخی ابن مجاهد را که باعث چنین اشتباهی شده، مورد نکوهش قرار دادند.

بدین ترتیب از سیر صعودی اختلاف قرائات کاسته شد و حداقل بسیاری از شهرها، بنا را بر صحت قرائات هفتگانه و اعتماد بر آنها و ترک سایر قرائت‌ها گذاشتند. آنچه جای بسی خوشبختی است، این است که با حمایت الهی و بر اساس تضمین آسمانی مبنی بر حفظ و صیانت قرآن حتی همین قرائت‌های هفتگانه میان مسلمانان متروک شد و از میان آنها تنها قرائتی که مورد اقبال عامه مسلمانان قرار گرفت، قرائت عاصم به روایت حفص است، و تنها در کشور مغرب است که قرائت نافع به روایت ورش متداول است.

دکتر محمد حسین علی الصغیر در این باره چنین آورده است:

"تظل القضية قضيه تاريخيه فحسب، إذ القرآن المعاصر الذي اجمع عليه العالم الاسلامي و هو ذات القرآن الذي نزل به الوحي على رسول الله(ص) مرقوم بروايه حفص لقراءة عاصم بن ابي النجود الكوفي، باستثناء المغرب العربي الذي اعتمد قراءة نافع المدني بروايه ورش." ۲

باری، امروزه برای آنکه بخواهیم دیدگاه‌های قاریان مختلف حتی قراء سبعة را به جز دو تن یاد شده را دریابیم دیگر مصحفی وجود ندارد، بلکه باید به کتاب‌های مستقل علمی تاریخی که به این امر پرداخته‌اند مراجعه کرد تا به دست آوریم که مثلاً حبیب بن زیات کوفی، یا ابو علاء بصری یا ابن محیصن یا حسن بصری درباره فلان آیه چه قرائتی داشته‌اند.

هرچند، این امر را باید نشانگر اعجاز این کتاب آسمانی دانست که بدون وجود سازمانی جهانی و تشکیل نشست‌های بین المللی برای اثبات ضرورت توحید قرائت قرآن و حذف سایر قرائت‌ها برای رفع اختلاف، خود به خود و با عنایت الاهی، سایه تاریک و نامیمون اختلاف قرائت از دامن قرآن زدوده شد.

با این حال، باید دانست که اختلاف قرائت قرآن سه عامل اصلی داشته است این عوامل عبارت‌اند از: ۱. ضعف خط عربی؛ ۲. اختلاف لهجه قبایل مختلف عرب؛ ۳. اجتهادات قراء. از میان این سه عامل، دو عامل نخست طبیعی و عامل سوم ارادی بوده است. اینک به اختصار این عوامل را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱. ضعف خط عربی

مقصود ما از خط، مفهومی فراتر از رسم الخط بوده و شامل علایم نوشتاری، نقطه و اعراب نیز می‌شود. به استناد اسناد تاریخی قرآن کریم در زمان پیامبر(ص) و نیز در زمان عثمان با همین خط عربی که دچار کاستی‌هایی بوده است، نگارش می‌شد. بدین خاطر قرآن برای تلاوت، بیشتر از آنکه به مقوله نوشتار متکی باشد، به مقوله گفتار متکی بود. وجود قاریان مختلف برای هر قرائت قرآن و تعلیم آن به مسلمانان طی جلسات عدیده گواه این مدعاست. حتی عثمان که به توحید مصاحف همت گمارد، در کنار ارسال هر مصحف به شهرهای مهم اسلامی همچون مکه، بصره، کوفه و شام، یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های قرآنی که درباره قرائت آن تبحر خاص داشت و قرائت آن را مستقیماً از پیامبر(ص) یا صحابه بزرگ فرا گرفته بود، گسیل می‌داشت.

اگر خط قرآن عاری از کاستی‌های گفته شده می‌بود و خود می‌توانست خواننده را به خواندن صحیح رهنمون باشد، دیگر نیازی به راهنمای قرائت صحیح به عنوان قاری و مقرئ وجود نداشت، چنانکه امروزه قرآن در تمام جهان اسلام چاپ می‌شود بلکه در کشورهای غیر اسلامی منتشر می‌شود، و برای خواندن آن تنها نیاز به توان عمومی دارد.

از سویی دیگر، تکیه به مقوله گفتار در تعلیم قرآن، طبیعتاً دشواری‌هایی را به بار می‌آورد، زیرا خواندن یک متن مقدس با این فرض، به جای آنکه به خود متن متکی باشد به حافظه شخص قاری متکی است، قاری باید نحوه خواندن صحیح شش هزار آیه را در ذهن داشته باشد و افزون بر آن با تلقی صحیح قرائت، بتواند آن را به درستی به دیگران منتقل کند، پیداست که این کار اختلاف در نقل را پدید می‌آورد. از نمونه‌های اختلاف قرائت ناشی از ضعف خط عربی آیه "وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ" است که به صورت "صالحوا المؤمنین" نگاشته شد؛ یعنی در نگارش به اشتباه "واو" افزوده شده، و برخی به اشتباه افتادند که مقصود از آن مفرد است یا جمع مضاف. نیز در آیه "إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا" ۴ در قرائت کسایی "فتبثوا" آمده است. این امر ناشی از خالی بودن این کلمه از نقطه بوده است، زیرا اگر حروف این کلمه خالی از نقطه باشد، به هر دو صورت قابل قرائت است.

## ۲. اختلاف لهجه قبایل عرب

زندگی قبیله‌ای در میان حجاز و به دنبال آن فاصله گرفتن جغرافیایی قبایل از یکدیگر، زمینه‌ساز یک پدیده اجتماعی یعنی "اختلاف لهجه" شد. وجود فاصله مکانی در صورتی که حتی یک زبان مشترک میان تمام قبایل حاکم باشد، به تدریج در نحوه گویش کلمات و حروف، گوناگونی ایجاد می‌کند. چنان که در ایران به رغم آنکه زبان غالب و رسمی فارسی است؛ اما با این حال در نحوه گویش این زبان میان تیره‌ها و شهرهای مختلف، اختلاف چشمگیری وجود دارد، به گونه‌ای که میان گویش مشهدی در شمال شرق با گویش شیرازی در جنوب غربی با گویش اصفهانی در قلب کشور تفاوت فاحشی وجود دارد.

این اختلاف در دورانی همچنان پا برجاست که میزان ارتباط مردم این شهرها با توجه به عصر ارتباطات بسیار بالا است. بنابراین تصور اختلاف لهجه و نحوه گویش کلمات در میان قبایل عرب در چهارده سده پیش بسیار آسان و طبیعی است. اگر اسلام اصرار می‌ورزید که تمام قبایل باید قرآن را به یکی از لهجه‌ها مثل لهجه قریش که محل نزول قرآن است، تلاوت کنند، تکلیف دشواری بر مردم تحمیل می‌شد.

از سویی دیگر، اختلاف لهجه یا نحوه گویش کلمات، به قبایل عرب یا عصر نزول قرآن منحصر نمی‌شود، بلکه شامل ملت‌های مختلف و عصرهای گوناگون است؛ زیرا به نیکی می‌دانیم که جهانی بودن و جاودانگی، دو ویژگی مسلم قرآن است و قرار است قرآن تا روز قیامت از طرف تمام ملت‌های دنیا به عنوان متن مقدس و آسمانی مورد پذیرش قرار گیرد.

بر همین اساس، شماری از صاحب نظران حدیث "انزل القرآن علی سبعة أحرف" ۵ را به معنای توسعه رحمت الاهی نسبت به بندگان ارزیابی کرده و آن را بر اختلاف لهجه‌ها که امری طبیعی است، حمل کرده‌اند. ۶

با این حال، این پدیده طبیعی اگر به دقت مورد توجه قرار نگیرد، ممکن است زمینه را برای اشتباه در قرائت یک متن فراهم کند. اینجاست که باید پذیرفت، قرآن تنها بر یک لهجه که طبعاً فصیح‌ترین آنهاست نازل شده است، و با توجه به وجود طبیعی لهجه‌های مختلف، قرائت‌های گوناگون متأثر از این لهجه‌ها را بر می‌تابد، و اگر کسی به اشتباه لهجه‌ای غیر از لهجه اصیل را منشأ فهم خود از قرآن قرار دهد می‌بایست به لهجه اصیل باز گردد.

تاریخ قرائات نشان می‌دهد که به خاطر عدم توجه به این نکته، اختلاف لهجه‌ها در پاره‌ای از موارد باعث اختلاف قرائات شده است. در واقع برای کسانی که خود به آن لهجه و نوع گویش، قرآن را تلاوت می‌کردند اختلاف قرائت صدق نمی‌کرد، اما برای کسانی که بعدها همین گوناگونی گویش را به عنوان چند گونه بودن قرائت تلقی کردند، اختلاف قرائات صدق کرد.

به عنوان نمونه قبیله قیس و اَسَد "نَسْتَعِينُ" در آیه "إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ" ۷ را با فتح "نون" قرائت می‌کردند، اما سایر قبایل با کسر نون می‌خواندند. قبیله تمیم آیه "وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ" ۸ را چنین قرائت کرده‌اند: "وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ" به کسر تاء و سکون یاء و فتح میم و سکون نون.

### ۳. اجتهاد قراء

اجتهاد قاریان نیز خود متأثر از عواملی چند بوده است:

۱. گاه قاری از قوت علمی مطلوب برخوردار بوده و بدون داشتن هیچ میل و غرضی، صحت و سقم یک قرائت را مورد ارزیابی قرار می‌داده و پیداست که در این صورت میزان خطا کم بوده است.
۲. قاری از قوت علمی مطلوبی برخوردار نبوده، با این حال بر خود جرأت می‌داد که درباره صحت و سقم قرائات به قضاوت پردازد. پیداست که این کار باعث گسترش دامنه اختلاف قرائات شده است.
۳. قاری از قوت علمی مناسب برخوردار بود؛ اما به مذهبی خاص گرایش داشته است. این امر باعث شد که او خواسته یا ناخواسته قرائتی را بر قرائت‌های دیگر ترجیح دهد.

به عنوان نمونه به عمر بن خطاب منسوب است که آیه: "وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ" ۹ را به رفع "الانصار" خوانده است، زیرا گمان کرد که فضیلت سبقت در اسلام منحصر به مهاجران است و تنها بهره انصار، تبعیت از مهاجران است! و از برخی از معتزله نقل شده که آیه "فَاقتُلُوا أَنْفُسَكُمْ" ۱۰ را به صورت "اقیلوا انفسکم" خوانده‌اند زیرا فرمان به قتل نفس از نظر آنها قبیح است.

گفتار دوم: نامبارکی اختلاف قرائات و ادعای خاور شناسان مبنی بر دلالت آن بر تحریف قرآن

پدیده اختلاف قرائات قرآن را که در تاریخ این کتاب آسمانی رخ نمود، به دلایل ذیل نمی‌توان یک پدیده مبارک تلقی کرد:

۱. اختلاف قرائات از آغاز باعث ایجاد شکاف و اختلاف در میان مسلمانان شد. چنان که تاریخ گواهی داده است کار اختلاف قرائات در همان سده‌های نخست بالا گرفت و گاه طائفه‌ای که بر قرائت خاصی پایبند بودند برای دفاع از قرائت خود در برابر قرائت سایر تیره‌ها تا مرز جنگ و خونریزی پیش می‌رفتند. ۱۱

در حوزه درون دینی چند گونه بودن کیفیت قرائت قرآن در برخی از موارد باعث اختلاف در فهم و برداشت از آن در میان مفسران و فقیهان شده است. مراجعه به موارد اختلاف قرائات که در کتاب‌های مختلف و از جمله تفاسیر نقل شده، گواه این امر است. اختلاف بر سر قرائت آیه "مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ" ۱۲ به صورت مالک یا ملک ۱۳ و اختلاف بر سر قرائت آیه "فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَ لَمَّا تَقَرَّبُوهُنَّ حَتَّى يَظْهَرْنَ" ۱۴ که آیا طاء یظهرن با تشدید است یا بدون آن ۱۵ از این نمونه‌هاست.

۲. اختلاف قرائات قرآن در حوزه برون دینی و از نگاه شماری از خاورشناسان زمینه‌ساز سه نگاه ناصواب در باره قرآن شده است:

۲-۱. برخی از خاورشناسان این امر را یک ضعف و کاستی در قرآن به عنوان یک کتاب مقدس قلمداد کرده‌اند. به عنوان نمونه گلدزیهر خاورشناس مجارستانی که میانه خوبی با اسلام و قرآن ندارد و در لابلای کتاب‌های خود سخت به اسلام تاخته، همین اختلاف قرائت را بهانه حمله به قرآن قرار داده و آن را شاهی بر اضطراب متن آن تلقی کرده است. او می‌گوید: "هیچ کتاب دینی یافت نمی‌شود که یک گروه دینی بر اساس اعتقادات خود آن را به عنوان نص آسمانی نازل شده یا نص وحی شده تلقی کرده و کاریست آن کتاب از قدمت تاریخی زیادی برخوردار باشد و در عین حال بسان آن چه که ما در متن قرآن می‌بینیم، این چنین دارای اضطراب و عدم ثبات باشد!" ۱۶

۲-۲. برخی دیگر از مستشرقان وجود اختلاف قرائات را شاهی بر تدوین متن قرآن در اواخر قرن دوم و یا اوایل قرن سوم دانسته و بدین ترتیب اصالت و آسمانی بودن این کتاب را مورد تردید قرار داده‌اند. ۱۷

۲-۳. شماری از مستشرقان اختلاف قرائات را به معنای راهیافت تحریف در قرآن دانسته‌اند. چنان که رژی بلاشر نیز از برخی از خاورشناسان نقل کرده که اختلاف قرائات قرآن را به معنای نفی قداست قرآن برشمرده‌اند. ۱۸ و برخی دیگر از آنان ضمن یکی دانستن روایات احرف سبعه با پدیده قرائات سبعه که در قرن دوم پدید آمد، مدعی راهیافت تحریف در قرآن شدند. ۱۹

## گفتار سوم: اختلاف قرائات و شبهه تحریف قرآن

چنان که اشاره کردیم وجود اختلاف قرائات در تاریخ قرآن، دستاویزی برای برخی از خاورشناسان برای ادعای راهیافت تحریف در قرآن را فراهم ساخت. به عنوان مثال آنان می‌گویند اختلاف قرائت بر سر واژه "مالک" در آیه "مالک يوم الدين" و این که برخی مدعی‌اند که قرائت صحیح ملک است دلیل بر راهیافت تحریف و تغییر در قرآن است. یا وقتی در قرائت ورش در آیه "يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ" ۲۰ واژه "يَخَادِعُونَ" به واژه "يخدون" تغییر شکل داده است، این امر دلیل راهیافت تحریف در قرآن است.

### این شبهه به دلایل ذیل مردود است:

دلیل اول: در تحریف اصطلاحی دو عنصر اصلی وجود دارد: ۱. در تحریف کنش ارادی وجود دارد، به این معنا که محرّف از روی عمد و آگاهی دست به تغییر متن می‌زند از این جهت تحریف با تصحیف متفاوت است. زیرا در تصحیف متن بدون توجه و آگاهی در اثر اشتباه در هنگام استنساخ یا چاپ دچار تغییر می‌شود. ۲. تحریف همواره با نوعی خیانت در نقل صحیح یک گفتار همراه است و محرّف از رهگذر تغییر متن به دنبال پنهان ساختن حقیقت یا جایگزینی آموزه و انگاره مورد نظر خود است.

کارکرد این کلمه در قرآن نظریه پیشگفته را تایید می‌کند. در سوره بقره در باره یهود چنین آمده است:

"أَتَتَّمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ؟ آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند، و خودشان هم می‌دانستند." ۲۱

عبارت: "مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ" کاملاً نشان می‌دهد که آنان برغم فهم متن و آگاهی از آن چه خداوند آورده است، آن متن را تغییر می‌دادند. در آیه ۷۹ این سوره چنین آمده است:

"قَوْلٍ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٍ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَقَوْلٍ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ؛ پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده‌ای] با دست‌های خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: این از جانب خداست"، تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند؛ پس وای بر ایشان از آنچه دست‌هایشان نوشته، و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند." ۲۲

در این آیه شریفه سه نشانه وجود دارد که نشان می‌دهد در تحریف عمد، آگاهی و نیت سوء وجود دارد: ۱. نگاشتن کتاب به دست خود و ادعای نزول آن از سوی خداوند؛ ۲. دنبال کردن بهای ناچیز دنیوی در برابر تحریف؛ ۳. وعده عذاب الاهی که طبعاً با وجود علم و قصد سوء قابل توجیه است.

تعریفی که در منابع لغت درباره واژه تحریف آمده نیز وجود دو عنصر گفته شده را تایید می‌کند. به عنوان نمونه ابن منظور تحریف را به معنای تغییر دانسته و می‌گوید: تحریف در قرآن به معنای تغییر کلمه از معنای آن است. ۲۳ زبیدی نیز تحریف را به معنای تبدیل و تغییر دانسته است. ۲۴ در فرهنگ فارسی معین تحریف به معنای تبدیل، تغییر کلام از وضع، طرز و حالت اصلی آمده است. ۲۵

این در حالی است که در قرائات دو عنصر آگاهی و قصد سوء وجود ندارد. به این معنا که هیچ یک از پدیدآورندگان قرائت‌های مشهور و غیر مشهور از یک سو ادعا نکرده‌اند که از قرائت صحیح و قرائتی که به طور قطع از پیامبر نقل شده اطلاع داشته و در عین چنین آگاهی‌ای، قرائتی دیگر را پیشنهاد کرده‌اند. از سویی دیگر هیچ کس حتی آن دسته از خاورشناسانی که وجود قرائت‌های مختلف را به معنای راهیافت تحریف در قرآن دانسته‌اند، ادعا نکرده‌اند که پدیدآورندگان قرائت‌ها قصد تبدیل و تغییر در متن قرآن را داشته‌اند.

تاریخ زندگی قاریان بزرگ از نظر تمام تراجم نگاران نشان‌گر آن است که آنان اندیشمندانی مسلمان بوده‌اند که عمر خود را در نشر ترویج قرآن صرف کرده بودند. البته در آنجا که برخی از قرائت‌ها را از روی اجتهاد قاریان دانسته‌اند تلویحاً از قاریان به دلیل دخالت دادن دیدگاه‌های شخصی در قرائت قرآن انتقاد شده است. اما در این دست از موارد نیز کسی مدعی نیست که آنان از روی آگاهی به قرائت قطعی قرآن و به هدف تبدیل و تغییر در متن وحی دست به چنین اقدامی زده‌اند. شاید آنان کار خود را از نوع تفسیر قرآن قلمداد می‌کرده‌اند؛ یعنی گمان می‌کردند که در قرائت قرآن بسان تفسیر، اجتهاد راه می‌یابد. هر چند چنین نگاهی نادرست ارزیابی می‌شود، اما بسان اشتباه یک مفسر در تفسیر یک آیه، نمی‌توان لزوماً آن را به معنای گامی در جهت تحریف و تبدیل متن قرآن تلقی کرد.

#### شاهد مدعا که در پدیده قرائت عناصر معنایی تحریف وجود ندارد آن است:

اولاً: تمام اندیش‌وران مسلمان، راهیافت تحریف لفظی از نوع کاستی و فزونی در قرآن را با استناد به ادله مختلف عقلی و نقلی مردود دانسته‌اند. ۲۶ در حالی که عموم آنان در آثار قرآنی، حدیثی، کلامی، فقهی و تاریخی از قرائت‌های مختلف با نگاه مثبت سخن به میان آورده‌اند. و با استناد به حدیث "انزل القرآن علی سبعة أحرف" ۲۷ کثرت قرائت را امری شرعی و مستند به توسعه رحمت الهی نسبت به بندگان ارزیابی کرده و تا کنون کتاب‌های فراوانی در باره پدیده اختلاف قرائات فراهم ساخته و از چند و چون این اختلاف سخن به میان آورده‌اند و بسیاری از فقیهان فریقین بر جواز قرائت نماز بر اساس قرائت‌های هفتگانه مشهور تأکید کرده‌اند. ۲۸

ثانیاً: همه اندیش‌وران مسلمان به یکصدا هر اقدامی را در جهت تحریف و تغییر قرآن حرام و ممنوع می‌دانند و عموم آنان با این نگاه برغم پذیرش راهیافت خطا در رسم الخط عثمانی، تغییر و تصرف در آن را



ناروا اعلام کرده‌اند. چنانکه با انتشار قرآن که سوره‌های آن بر اساس نزول چینش شده باشد، مخالفت می‌کنند. در حالی که همگان روایات ترتیب نزول سوره‌ها را نقل می‌کنند و انتشار چنین مصحفی به معنای راهیافت تغییر در کلمات یا عبارت‌های قرآن نیست.

چنین برخوردی، نشان از آن دارد که اگر در پدیده اختلاف قرائات عناصر معنایی تحریف تحقق می‌داشت، هیچ‌گاه با این پدیده این چنین با نگاه مثبت برخورد نمی‌شد.

دلیل دوم: باید میان اقدام به تحریف قرآن با راهیافت تحریف در آن تفاوت قایل شد. چنانکه باید میان اقدام به تحدی با قرآن با ارایه گفتاری نظیر قرآن فرق گذاشت. آن چه که از ادله عقلی و نقلی نظیر آیه حفظ ۲۹ می‌توان دریافت این است که به یمن حفاظت و مراقبت الاهی هیچ‌گاه در قرآن تحریف و تغییر راه نمی‌یابد. مفاد صریح آیه نفی باطل همین نکته است آنجا که آمده است: "وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ" ۳۰ اما این امر بدان معنا نیست که هیچ اقدامی در جهت تحریف قرآن انجام نمی‌گیرد. باری، ممکن است در گذشته اقداماتی برای تبدیل و تغییر در قرآن انجام گرفته یا در آینده انجام گیرد، آن چه در این بین مهم است تأکید بر ناکامی این دست از اقدامات زبوانه است. یعنی خداوند کاری می‌کند که هیچ‌گاه این دست از تلاش‌ها راه به جایی نبرد.

به عنوان مثال چندی پیش به هدف تخریب مبانی فکری قرآن از سوی امریکاییان قرآنی با نام "الفرقان" منتشر شد. که در آن آیات جهاد حذف شده بود. این امر برای برخی از جوانان و عموم مردم شبهه راهیافت تحریف در قرآن را تداعی کرد. در حالی که این اقدام به هیچ وجه به معنای راهیافت تحریف در قرآن تلقی نمی‌گردد؛ زیرا وقتی با صرف نظر از مساجد و مراکز مذهبی، در خانه یک و نیم میلیارد مسلمان در سرتاسر جهان حداقل یک نسخه از قرآن وجود داشته باشد و این کتاب آسمانی به صدها زبان دنیا ترجمه شده باشد و صدها تفسیر موجود از متن آن به طور طبیعی حراست کنند، آیا دیگر راهیافت تحریف در آن معنا پیدا می‌کند؟!

مفهوم این سخن آن است که وقتی متن اصلی یک کتاب به وفور در میان مردم وجود داشته باشد، دیگر تحریف آن معنا نخواهد داشت. این نظیر آن است که با در اختیار بودن سند اصلی یک خانه در دست مالک اصلی، کسی با در دست داشتن سند جعلی مالکیت آن خانه را ادعا کند. چنین شخصی حتی با مراجعه به دادگاه صرفاً خود را در معرض سخریه و زحمت قرار داده است. زیرا به او گفته می‌شود اگر سند اصلی مفقود می‌شد شاید پذیرش ادعای مالکیت محتمل می‌نمود، ولی با وجود سند اصلی جایی برای چنین ادعایی باقی نمی‌ماند.

درباره پدیده قرائات درست همین حقیقت تحقق دارد. به این معنا که اگر بر فرض بپذیریم که قصد قاریان ایجاد تغییر و تحریف در متن قرآن بوده است، چنین قصدی زمانی امکان تحقق خارجی می‌یافت که با صرف نظر از جهان قاریان و اختلافات آنان در باره قرائت فلان آیه، متن شسته و رفته و کاملی از قرآن در میان مردم وجود نداشته و در اثر خطای قاریان و یا قصد سوء آنان، متن اصلی قرآن دستخوش تغییر و تبدیل می‌شد.

اما به استناد ادله تاریخی و روایی، قرآن طبق قرائت پیامبر اکرم(ص) که حفص از طریق عاصم و او از طریق حضرت امیر(ع) آن را روایت کرد، آن چنان در میان مردم شایع و رایج شد که دیگر جایی برای کشانده شدن اختلاف قرائات در میان مردم جز در مناطق و دورانی محدود باقی نگذاشت.

از این رو در روایات اهل بیت(ع) میان قرآن و پدیده قرائات تفکیک و اعلام شده که قرآن دارای یک حقیقت واحد است که از سوی خدای واحد فرو فرستاده شد و قرائات پدیده‌ای است که از سوی قاریان رخ نموده است. امام باقر(ع) در این باره فرمود: "إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ" ۳۱ برخی از صاحب نظران با الهام از این گفتار امام باقر(ع) بر جدایی پدیده قرائات با حقیقت قرآن پای فشرده‌اند. ۳۲

از سویی دیگر، کتابی که به عنوان ريسمان الاهی برای رفع اختلاف آمده و عدم راهیافت و اختلاف در آیات ۳۳ آن از جمله دلایل اعجاز آن بر شمرده شده است، ۳۴ چگونه خود می‌تواند قرائت‌های مختلف را که عموماً زمینه‌ساز انواع برداشت‌ها و تفاسیر مختلف و گاه متناقض شده، برتابد!

بدین جهت برغم آن که در عموم تفاسیر پیشین به اجمال یا تفصیل از پدیده اختلاف قرائات سخن به میان آمده است و در تفسیری همچون مجمع البیان مباحث مفصل و مبسوطی در ذیل عموم آیات در قالب دو محور: "القراة" و "الحجّه" انعکاس یافته به این معنا که امین الاسلام طبرسی در محور نخست اختلاف قرائات آیه را منعکس ساخته، آنگاه در محور "الحجّه" دلایل هر یک از قرائت‌ها را ذکر کرده است. در عموم تفاسیر دوران معاصر، محوری را به عنوان "قراة" در بررسی تفسیر آیات در نظر گرفته نشده است.

بر اساس گفتار پیشین، شبهه اول و دوم پیشگفته خاورشناسان مبنی بر آن که اختلاف قرائات به معنای وجود اضطراب در متن قرآن است یا آن که مستلزم تدوین قرآن در سده دوم و سوم است، بی اساس خواهد بود؛ زیرا این دست از شبهات بر مبنای یکی انگاشتن پدیده قرائات با قرآن شکل گرفته است. اما با امعان نظر به دو نکته که اولاً: قرآن یک حقیقت و قرائات حقیقت دیگری است؛ ثانیاً: قرآن با اراده خداوند و تعلیم و تلاش پیامبر(ص) میان مردم چنان گسترده شد که با تواتر به دست ما رسید، دیگر جایی برای این دست از شبهات باقی نمی‌ماند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، معرفت، محمدهادی، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۴ - ۳۴۰.
۲. دراسات قرآنیه، صغیر، محمد حسین علی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ دوم، ۱۴۱۳، ص ۱۱۰ - ۱۱۱.
۳. تحریم / ۴.
۴. حجرات / ۶.
۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۳۱، ص ۲۰۷؛ صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۱۰۰ "باب انزل القرآن علی سبعه احرف".
۶. برای آگاهی بیشتر در این باره ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۸۱ - ۹۸.
۷. فاتحه / ۵.
۸. آل عمران / ۷۵.
۹. توبه / ۱۰۰.
۱۰. بقره / ۵۴.
۱۱. برای تفصیل بیشتر ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۳ - ۳۴۰.
۱۲. فاتحه / ۴.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، قم، انتشارات جامعه مدرسین، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲.
۱۴. بقره / ۲۲۲.
۱۵. شیخ انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۵۷.

۱۶. صغیر، محمد حسین علی، المستشرقون و الدراسات القرآنیة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ دوم، ۱۴۱۳، ص ۳۲.
۱۷. بولتن مرجع، ش ۶، ص ۱۶ - ۱۷ "تأملاتی در باب برخی جهت گیری‌های رایج در مطالعات قرآنی".
۱۸. رضوان، عمر بن ابراهیم، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم، ریاض، دار طیبه، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۱۳.
۱۹. عنایت، غازی، شبهات حول القرآن و تفنیدها، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۹۶ م، ص ۱۳۵ - ۱۳۷.
۲۰. بقره / ۹.
۲۱. بقره / ۷۵.
۲۲. بقره / ۷۹.
۲۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ سوم، بی تا، ج ۹، ص ۴۳.
۲۴. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت، المکتبه الحیاه، بی تا، ج ۱۲، ص ۱۳۴.
۲۵. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۳۷.
۲۶. در این بین تنها شماری محدود راهیافت تحریف لفظی از نوع کاستی را پذیرفته‌اند.
۲۷. بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۲۰۷؛ صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۰۰ "باب انزل القرآن علی سبعة احرف".
۲۸. برای تفصیل بیشتر در این باره ر. ک: البیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۶۷ - ۱۶۸.
۲۹. "إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ" حجر / ۹.
۳۰. فصلت / ۴۱ - ۴۲.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۶۳۰، باب النوادر.

۳۲. ر. ک: البيان في تفسير القرآن، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ التمهيد في علوم القرآن، ج ۲، ص ۷۶-۷۷.

۳۳. آیه "أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا" (نساء / ۸۲) به این امر

ناظر است.

۳۴. برای تفصیل بیشتر در این باره ر. ک: المیزان، ج ۱، ص ۶۶؛ البيان في تفسير القرآن، ص ۵۵.

پایان متن